



سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
ارتش جمهوری اسلامی ایران
انتشارات آتشبار

پیکان در عرش

خاطرات هشت سال دفاع مقدس

نویسنده: سید جلال موسوی

سرشناسه	موسوی، سید جلال، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدورنده	پیکان در عرش / نویسنده سید جلال موسوی
مشخصات نشر	تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران، انتشارات آتشبار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۶۶ص: مصوربخشی رنگی (۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.)
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۳۳۶-۸۲-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات مروارید
موضوع	Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸-- Operation Morvarid:
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات دریایی
موضوع	Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸-- Naval Operation :
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات هوایی
موضوع	Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸-- Aerial Operation:
موضوع	دریانوردان و ملوانان -- ایران -- خاطرات
موضوع	Sailors -- Iran -- Diaries
شناسه داده	سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران، انتشارات آتشبار
رده بندی کنگر	DSR ۱۶۰۷/م۲۶م۸ ۱۱
رده بندی دیویی	۵۷۰ ۹۴۳
شماره کتابشناسی ملی	۰۱۱۲

پیکان در عرش

نویسنده: سید جلال موسوی

ویراستار: مریم رستم خانی

کنترل نهایی: بهارک کلی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۳۶-۸۲-۳

طراح جلد: مهدی لریان

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات آتشبار وابسته به سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

ارتش جمهوری اسلامی ایران - شماره تماس: ۸۱۹۵۴۱۱۱

فهرست

- مقدمه ۱۵
- اشکیلا و استقرار نیروی رزمی ۴۲۱ ۲۰
- قصه مروارید، قصه نامکرر ۲۵
- قصه شنیدن مروارید ۲۷
- رفیق نیمه‌راه نمی‌شدم ۳۱
- مروارید، جرعه‌ای بر کام تشنه لبان مقاومت ۴۶
- ظهور پیکان در وسط میدان ۵۹
- معجزه آرپی‌جی ۷ ۶۲
- عباس دوران، فرشته نجات ۷۰

۷۶ مروارید، عملیات مهم و تأثیرگذار

۹۳ دل‌کندن از پیکان برایم سخت بود

۱۰۸ چو ایران نباشد تن من مباد

۱۲۴ روزی که انتظار طولانی شد

۱۳۱ عملیات مرمرید در آیینۀ ادبیات

۱۴۹ تصاویر

در این دنیای گذران، وقایعی رخ می‌دهد که در دلمان حقایقی نهفته است پر رمز و راز، حقایقی که بی‌شک اگر ریشه در حقیقت مطلق الهی و آن داشته باشد، ماندگار و همیشگی می‌شود. راهگشا و راهنمای در ماندگان می‌گردد. یاد و ذکر آن، ذکر حق و اجر عبادت خالق بی‌همتا می‌یابد. روز و وقت آن یوم‌الله می‌شود. یوم‌اللهی که عرشیان بر فرش نشینان زمینی غلبه می‌خورند و خالقان آن هم‌نشین عرشیان می‌گردند. قصه‌ای که از هزاران سال پیش می‌شنوی نامکرر می‌شود و گوشه‌ای از رمز و راز بی‌پایان آن بر زمینیان جاری مانده از آن قافله شور و شیدایی، رخ می‌نماید. ذکر، ذکر پیکان است و ما که نشینان پیکان در یوم‌الله هفتم آذر، هفتم آذری که در تاریخ مقاوم، دریایی این مرز و بوم، نقطه عطفی شد مبارک و خجسته، طلعه‌ای شد نورانی، صبحی شد صادق و آغازی شد بی‌پایان و ازل. نیروی دریایی باهمت مهابت سواران پیکان، در دل شب بر گرده دشمن بعثی تاخت و پیام‌آور صبح پیروزی شد و نیروی دریایی رژیم بعثی عراق را از حیز انتفاع ساقط کرد و سیادت برادر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را بر کران تا کران آب‌های خلیج فارس و دریای عمان به رخ جهانیان کشید.

پس بی‌گمان قصه یاران پیکان هم نامکرر است و هم شنیدنی. پیکان سوارانی که هیچ‌کدام تا پایان راه، رفیق نیمه‌راه نشدند و به پیشواز خطر تا

پای جان رفتند. آغاز جنگ تحمیلی برایشان آغاز یک تولد بود؛ تولدی برای آغاز یک زندگی دیگر و تعریفی دیگر از خویشتن، از ایران و ایرانی، با ظهور ناوچه‌ای به نام پیکان، پیشانی سفید پیشانی بلند، بختیاری بی‌همتا، یکه‌تازی بی‌مانند، ناوچه‌ای به عظمت ایران با فرمانده‌ای لایق و شجاع به نام محمدابراهیم همتی، اسمی بامسما که لایق و برازنده‌اش بود کفر ستیزی‌اش را از محمد (ص) به ارث برده بود. بت‌شکنی‌اش را از ابراهیم خا، الله (ع) و همتی‌اش را از همت و شجاعت بی‌مانند ایرانیان این دزد و بدم در طول تاریخ؛ چون به استناد اعتراف بازماندگان قرارگاه مقدم دریایی در همتی نبود ناوچه پیکان، ناوچه قهرمان پیکان نمی‌شد و اگر همتی نبود عملیات غرورآفرین مروارید شکل نمی‌گرفت. البته بی‌گمان یآوری امدادها، عی و آسمانی نیز بود که عملیات مروارید و ناوچه پیکان را مخصوص و اختصاصی را معجزه‌آسا ساخته بود. معجزه آرپی‌جی ۷، شادی در برخورد با اسیر دشمن، یکه و تنها در برابر سیلی از دشمن، عباس دوران، فرشته نجات، نیروهای مخصوص و برگزیده، حمایت بی‌نظیر عقابان تیزپرواز نیروی هوایی و از همه مهم‌تر کارکنان شجاع و بالیاقت پیکان که از ناوچه پیکان، ناوچه‌ای استثنایی و بی‌بدیل ساخته بودند. این نیروهای مخصوص قصه‌ای را بر صفحه‌ی این خارج همیشه فارس نوشتند و روایت کردند که فرجامش خوش و مبارک شد. پایش، آغاز یک رهایی شد، رهایی یک ملت از بند اسارت اجانب اجنبی، هدیه استقلال برای مام وطن و هدیه آزادی برای فرزندان این مرزوبوم

که در مقابل دشمنان سرافکنده نباشند، آیندگانش بر گذشتگانش افتخار کنند و کودکانش سرود پرافتخار ای ایران ای مرز پرگهر را هرروز بر لبانشان جاری سازند. یاران باوفایی که آن روز رفتنشان با هزار رفتن دیگر فرق داشت، آن سان که لباس رزم بر تن کردند، قامت راست نمودند و به مردم وطنشان کردند و گفتند: باید راه پایداری را تا مرز خون رفت، دشمن بعثی ما را کشته می‌خواهد و شما را اسیر و گریان. به مام وطن گفت: ما قاضی ایرانی، شهادت هست اما اسارت نیست. به تأسی از امام امت گفتند: ملت‌ای که شهادت دارد اسارت ندارد. آنگاه او را در آغوش کشیدند و آخرین جوی رفتنشان را در گوشش زمزمه کردند، قرآن را بوسیدند و دست‌هایش را بستند و رفتند چون چشم دیدن اسارت مادران و فرزندان این آب و خاک را نداشتند. خواب و راحتی را بر خود حرام کردند تا کودکان وطنشان در آرامش بخوابند و دشمنان بعثی در خواب ایشان را غافلگیر نکنند. رفتند چون در میان نامه زندگی‌شان، ناموس و وطن بیشتر از جانشان معنا داشت.

آنها که نامشان در جریده پرافتخار تاریخ دفاع مقدس این مرز و بوم ماندگار و بلند آوازه شد. شهید محمدابراهیم همتی، شهید حسین حقیقی، شهید محمود رضا کوشا، شهید سیامک درخشان، شهید ابوالقاسم لبافی، شهید محمد شریفی، شهید حبیب‌الله محمدزاده، شهید علی‌اصغر معیری، شهید مختار رشنوار، شهید ابراهیم پیرسیاهکل، شهید شهباز آذری، شهید صادق صادقی، شهید منوچهر مردانیان، شهید منوچهر رشنواز، شهید

محمدرضا آزاد پور، شهید اصغر نوروزی، شهید محمدرضا قربانی پور، شهید سید موسی امیری مقدم، شهید ناصر خوش‌نیت، شهید رحیم ارجمندی، شهید پرویز سلطان بلاغی، شهید نوشاد طهماسبی، شهید عزیز عزیزی، شهید اکبر شیروانی، شهید کوروش شهبازی، شهید علی‌اصغر مخصوص، شهید عزت‌الله محمد زاده، شهید حسن پروستان، شهید حسن جارا کرار، شهید میرمسعود حسینی، شهید عبدالرضا مجردی ویسی، شهید محمد بک وردی، شهید دشتی ساسانی و شهید سید محمد حسینی؛ آنها که بال و پری گشوده به وادی خون رفتند تا خلیج فارس همیشه خلیج فارس ماند آن روز که در هفتم آذر همکاران و مردم قدرشناس وادی بوشهر در اسکا ناوگان منطقه دوم دریایی در انتظار آمدنشان مانده بودند اما وقتی زمان نشستن کاسه صبرشان لبریز شد، خبر آوردند که آنها، شهید راه وطن و دین رفتن گشته‌اند. آری نازنین شهیدانی که بیکر پاک و مطهرشان را برای تشییع به شهر نیاوردند چون که گفتند چیزی از همتی و یارانش به‌جای نماند است. بیکر یادشان گرمی و راهشان پر رهرو باد.

کتاب «پیکان در عرش» به‌عنوان اولین کتاب تخصصی با موضوع مجموعه خاطرات تعدادی از بازماندگان عملیات ظفرمند در ارواب و نارچه همیشه قهرمان پیکان، گردآوری، بازنویسی و به رشته تحریر در آمده است که هدف اصلی از گردآوری خاطرات و نگارش این کتاب پاسداشت یاد و خاطره رزمندگان و دریادلان غیور نیروی دریایی ارتش در هشت

سال دفاع مقدس است که چونان تندی رعدآسا صاعقه خشم و نفرت خود را بر تارک دشمن بعثی فرو ریختند و هیمنه پوشالی آن را بر صخره‌های نیستی و هلاکت کوفتند تا مایه عبرتی بر دیگر متجاوزانی که در فکر تعرض به این آب و خاک هستند باشد، هدف دوم جمع‌آوری و تکمیل تاریخ شفاهی دفاع مقدس است. تاریخ شفاهی‌ای که در بخش نیروی دریایی ارتش، هنوز برای آن قدم‌های بلند و تکمیلی برداشته نشده است. ما در این کتاب سعی کرده‌ایم با دوری گزیدن از بعد تخیل و داستان پردازی بعد نادیده و حقیقت‌جویی آن در قالب تاریخ شفاهی را حفظ کنیم.

امید است از طریق این کتاب بتوانیم گامی هرچند کوتاه در تأمین اهداف یادشده فوق، برداشت باشیم. از تمام صاحب فکران، پژوهشگران، پیشکسوتان دفاع مقدس نداجا و عالیه‌مندان به مطالعه خاطرات دفاع مقدس و جنگ‌های دریایی تقاضا داریم از نقطه نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود در خصوص مطالب این کتاب به راه ما را بی‌نصیب نگذارند.